

خدا زائیده ذهن بشر

گردآوری: شارمین مهر آذر
Sh.mehrazar@Gamil.com

انسان خدا پرست زاده نمی شود، بلکه در اثر شرایط اجتماعی و تربیتی اش، خدا پرست می شود. در ضمن به میزانی که انسانها آگاه می شوند و به تواناییهای خود پی می برند از خدا و مذهب فاصله می گیرند، و به جای تکیه به خدا به لیاقتها و تواناییهای خود تکیه می کنند. انسانهای اولیه در اثر جهل، نا آگاهی، ترس ناشی از ناشناخته ها و خرافات، برای خود خدایانی در نظر می گرفتند و به هنگام گرفتاری و قهر طبیعت به آنها پناه می بردند. بطور مثال وقتی آنها با رعدوبرق، زلزله، طوفان، و دیگر بلاهای طبیعی مواجه می شدند. و دلایل آنها را نمی دانستند، علت آن را خشم خدایان رعد و طوفان و زلزله تصور می کردند و به نیایش آنها می پرداختند تا از خشم شان کاسته شود و آنها را دچار این بلاها نکنند. تاثیر این نوع باورها را حتی امروز هم در جوامع اسلام زده می بینیم که بعضی از مسلمانان به هنگام خسوف و یا کسوف نماز وحشت می خوانند.

از طرفی دیگر در مقابل نور، شادی، محبت، زندگی، عشق و ... که به آنها احتیاج داشتند خدایان نور، عشق، محبت، خورشید، مهر و ... را آفریده و این خدایان را در مقابل خدای خشم و ظلمت و تباهی و ... می گذاشتند. بطوریکه در هندوستان تعداد خدایان به صدها خدا می رسید! این خدایان در خیلی موارد به جنگ یکدیگر نیز رفته و نزاعهای تاریخی هم داشته اند. به مرور زمان در اثر رشد ابزار تولید و بالطبع رشد دانش بشری، انسان کم کم به علل شکل گیری و پدید آمدن برخی پدیده ها پی برد و رفته رفته از تعداد خدایان خود کاست. یعنی دیگر احتیاج به آن خدای مشخص را از دست داد. مثلاً وقتی انسان به چگونگی تابش خورشید بر دریاها، بخار شدن آب، شکل گیری ابر و در نهایت باریدن آن پی برد، خدای باران کم کم به افسانه ها پیوست. همین طور خدای سیل، طوفان، رعد، زلزله و ... نیایش و کرنش انسان در برابر خدایان کم کم شکل مذاهب به خود گرفت. طبیعی بود که مذاهب اولیه اکثراً خدایان زیادی داشتند. در چند هزار سال گذشته اما مذاهب تک خدائی نیز کم کم پا به عرصه ظهور گذاشتند. ابراهیم به پیروان خود می گوید بیائید یک خدای واحد را پرستش کنیم. و یا محمد با شعار "لا اله الا الله" خدایان کوچک (اله ها) را رها کنید و الله خدای بزرگ را پرستش کنید به میدان آمد. و بدین سان بت خانه ها را یکی کرد و کعبه شد مرکز بت خانه و خدا پرستی مسلمانان.

می بینیم که همین خدای واحد را هم آورندگان ادیان تک خدائی خلق کرده اند. و نه برعکس. اما با تسلط بیشتر بشر بر طبیعت کم کم خدا و خداپرستی عامل تسکین و توجیه فقر اجتماعی و طبقاتی شد و در خدمت طبقات حاکم برای سرکوب مردم قرار گرفت. این بار بجای سیل و طوفان و صاعقه، فقر، بیکاری، سرکوب، ورشکستگی، از خودبیگانگی و ده ها مصیبت اجتماعی و طبقاتی دیگر توسط خدا و خدا پرستی و مذاهب توجیه شدند و بشر با توسل به خدا و خدا پرستی سعی کرد ناتوانیهای اجتماعی که ناشی از جامعه طبقاتی است را مشروع جلوه دهد. کم کم انسانهای زیادی به این نتیجه رسیدند که به همین خدای واحد هم احتیاجی ندارند. و ماتریالیستها و مادیگرایان که سابقه ی طولانی نیز در تاریخ دارند، در اثر پیشرفت علم و دانش قدرت بیشتری یافتند. در حال حاضر در بیشتر کشورهای مدرن و پیشرفته روز به روز بر تعداد بی خدایان و آته ایست ها افزوده می شود. بطور مثال در کشور 30 میلیونی

کانادا بر طبق آمار رسمی 4 میلیون و 600 هزار آته ایست وجود دارد. در صورتیکه مسلمانان طبق آمار رسمی حدود 600 هزار نفر هستند و این آمار شامل کسانی که از کشورهای اسلام زده. آمده اند و باورهای مذهبی هم ندارد (مثل خود من) نیز می شود. فرانسه کشوریست که تعداد بی خدایانش کم دارد از مرز خدا پرستانش می گذرد. و به همین شکل در کشورهای مدرن دیگر رشد بی خدایان چشمگیر است.

و اما همین خدا چیست، کیست و در کجاست؟

خدا موجودی ذهنی است ساخته و پرداخته ی ذهن افراد خدا پرست . به همین دلیل نه تنها یک خدا وجود ندارد بلکه به تعداد افراد خدا پرست نیز خدا وجود دارد. و طبیعتاً هر خداپرستی خدایش با دیگری فرق دارد. چون زاده و پرورده ذهن خودش است. بطور مثال مهاجر ایرانی ای را در نظر بگیرید که به کانادا آمده و تا حدودی به قوانین مدنی آن آشنا شده و خرافات و زن ستیزی و کودک آزاری در فرهنگ اسلام را دیگر قبول ندارد و یا در او خیلی سست شده است، و به زبان انگلیسی هم تا حدودی تسلط پیدا کرده ولی هنوز در پستوی ذهن خود به خدائی نیز معتقد است. طبیعتاً این خدای او مانند خود او دیگر زن آزار نیست و با کودکان مهربانتر از خدای اسلام است . ولی همین مهاجر خدا پرست وقتی مثلاً با والدین خود که هنوز در چنبره اسلام اسیرند به بحث و مجادله می پردازد متوجه می شود که خدای او با خدای والدینش نه تنها تفاوت دارد، که اختلاف نظر هم دارند. به همین دلیل می بینیم که خدای محمد بطور مثال مشروب و گوشت خوک را حرام کرده در صورتیکه خدای عیسی مسیح هیچ مشکلی با آن ندارد. در یک کلام نمی توان 2 خدا پرست را یافت که علیرغم اینکه دین و آئین و مرام مشترکی هم داشته باشند خدایشان دقیقاً یکی باشد و برداشتشان از خدا یکی. چنین است که می گویم به تعداد افراد خدا پرست خدا وجود دارد. منتهی این خدا فقط در ذهن آنهاست و زاده و پرورده شده این ذهن است. عینیت ندارد. مادیت و وجود خارجی ندارد. و در بهترین حالت آن انسان ایده آلهای و آرمانهای خود و هم ناشناخته های خود را در ناشناخته ی دیگری به نام خدا که معلوم نیست چیست، کیست و کجاست (جز در ذهن او) متجلی می بیند .